

دو تا ۶۴	دعا ۱۳
یک شاگرد از دعاهای انبیاء کتاب مقدس استفاده می کند (قسمت ۱)	
T = معلم ۱ (تعلیم توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . در این مجموعه تعلیمی یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح باشید . یک معلم با استفاده از کتاب مقدس تعلیم خواهد داد که شاگرد عیسی دعا می کند . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در یک دفترچه ، یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید . عیسی می گوید: "خواهید تا به شما داده شود" (متی ۷:۷) . پولس می گوید: " پیوسته دعا کنید" (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷) و یعقوب می گوید: " دعای صادقانه مرد در سنکار ، قدرت و تأثیر شگفت انگیز دارد . " (یعقوب ۵: ۱۶) . کتاب مقدس در مورد دعا تعلیم بسیار دارد .

مجموعه سوم از تعالیم ۶ گانه در مورد "دعاهای مردم در کتاب مقدس" است . از دعاهای پیروان مختلف خدای زنده چیزهایی خواهیم آموخت و عناوین دروس اینها هستند ، "دعاهای مزامیر" ، دعاهای انبیاء در کتاب مقدس" و "دعاهای رهبران در کتاب مقدس" . هر عنوان در دو بخش خواهد بود . امروز یاد خواهیم گرفت "یک شاگرد از دعاهای انبیاء کتاب مقدس استفاده می کند" - قسمت ۱

در اسرائیل ، انبیاء معمولاً نماینده خدا در نزد مردم بودند . آنها کلام خدا را به مردم می گفتند . بیابید به این دعاها و تلاش هایی که انبیاء ، در حال انجام تکلیف خود می کردند ، توجه کنیم . در قسمت اول از دعاهای سموئیل ، ایلیا ، الیشع و اشعیای نبی خواهیم آموخت .

### نکته ۱ . دعاهای سموئیل نبی

سموئیل نبی بیش از ۳۰۰۰ سال قبل زندگی می کرد . او در واقع قبل از اینکه اسرائیل پادشاهی داشته باشد آخرین داور اسرائیل بود .

**اول** . برای مشکلات خودتان در حضور خدا دعا کنید .

در اول سموئیل ۸: ۶-۲۲ می خوانیم که قوم اسرائیل درست مانند اقوام اطرافشان خواستار داشتن پادشاهی شدند این موضوع سموئیل را به قدری ناراحت ساخت که به خاطر این موضوع در حضور خدا دعا کرد و خدا ، دعای سموئیل را پاسخ داد و دقیقاً به او گفت که چه باید بکند . خدا گفت که مردم با خواستن پادشاه تنها پادشاه خود یعنی خدا را رد نمودند . خدا تصمیم گرفت که درس بسیار سختی به اسرائیل بدهد . او به سموئیل گفت که به آنها اجازه دهد که پادشاهی داشته باشند اما در عین حال به آنها هشدار بدهد که پادشاهان زمینی بسیار پر توقع می باشند . پادشاه زمینی پسران آنها را در ارتش به خدمت خواهد گرفت و بسیاری از آنها را در نبردهای خود به کشتن خواهد داد . او دختران آنها را در قصر خود به خدمت خواهد گرفت ، بهترین زمین هایشان ، تاکستانها و باغهای زیتون آنها را خواهد گرفت و به مأمورین خود خواهد سپرد . از آنها ده یک اموالشان را به عنوان مالیات خواهد گرفت تا به خادمین خود بپردازد . به طور خلاصه آنها غلامان پادشاه زمینی خواهند شد و غلامان رهبران سیاسی این جهان خواهند بود . سموئیل نبی باید به مردم این هشدار را می داد که آنها زیر سلطه سخت پادشاه خود رنج خواهند کشید به طوریکه برای نجات خود به حضور خدا اشک خواهند ریخت اما خدا دیگر در آن روز پاسخ آنها را نخواهد داد . با وجود دعای سموئیل و هشدار خدا ، قوم باز هم گوش نکردند و گفتند: "میخواهیم پادشاهی بر ما حکومت کند و ما هم مانند سایر اقوام باشیم" . بعدها در عهد عتیق می خوانیم که حقیقتاً آنچه خدا گفت اتفاق افتاد .

**یوم** . دعا کنید که مردم واقعیت و حضور خدا را تجربه کنند .

در اول سموئیل ۱۲: ۱۶-۱۸ می خوانیم که سموئیل چطور با سخنرانی خداحافظی خود به اسرائیل گناهشان را یادآوری می کند که به جای خدا از او پادشاهی خواستند . زمان برداشت محصول بود یعنی زمانیکه معمولاً بارانی نمی آمد و مردم هم طالب آن نبودند . اما سموئیل به مردم گفت که خدا به نشانه نارضایتی خود به آنها نشانه ای خواهد داد . پس سموئیل دعا کرد از خدا خواست که به مردم آن را نشان دهد . با وجود اینکه اسرائیل خدا را به عنوان پادشاه خود رد نمود خدا باز هم واقعی و حاضر است . خدا در زمان برداشت محصول رعد و برق و باران فرستاد . و قوم در حضور پر ابهت خدا و نبی او ایستاده بودند .

**سوم** . با رحم و شفقت برای مردم دعا کنید .

سموئیل نبی ای بود که به قوم خدا بسیار توجه داشت . در اول سموئیل ۱۲: ۲۳ می خوانیم با وجود این حقیقت که قوم اسرائیل یاغی بودند اما سموئیل نبی قول می دهد که برایشان دعا کند . او می گوید: " و اما من ، محال است که از دعا کردن برای شما دست بکشم ، و چنین گناهی نسبت به خداوند مرتکب شوم . من هر چه را که راست و نیکوست به شما تعلیم میدهم . " در اول سموئیل ۱۵: ۱۰-۱۱ می خوانیم که خدا از پادشاه شدن شاپول پشیمان است چون شاپول از خدا برگشته و از دستورات او سرپیچی می کرد . با این وجود سموئیل تمام آن شب برای شاپول پادشاه دعا می کرد . مسیحیان باید برای تمام رهبران نامطیع و قوم خود دعا کنند .

## نکته ۲. دعاهای ایلیای نبی

ایلیای نبی بیش از ۲۸۷۵ سال قبل زندگی می کرد او در زمان سلطنت پادشاهی شریر به نام اخاب ، از پادشاهی شمالی اسرائیل ، نبی نبود . در مورد او در اول پادشاهان ۱۷-۱۹ می خوانیم .

**اول** . دعا می تواند بر قدرتهای طبیعی اثر بگذارد .

خدا به اخاب پادشاه ، از طریق ایلیای نبی پیغامی می فرستد که به مدت چند سال باران یا حتی شبنمی نخواهد بود مگر اینکه نبی از او بخواهد و به مدت سه سال و نیم خشکسالی وحشتناکی اتفاق افتاد . در دوران خشکسالی بیوه ای از ایلیا مراقبت می کرد . وقتی پسرش مرد ایلیا پسر را به بالا خانه برد و دعا کرد که خدا این اتفاق غمناک را تغییر دهد و خدا دعای ایلیا را شنید و به پسر مرده او حیات تازه داد . دعا می تواند باران را متوقف سازد و دعا همینطور می تواند مرده را زنده سازد .

**دوم** . دعا می تواند وجود و قدرت خدا را به بت پرستان نشان دهد .

به مدت چند سال اخاب و همسرش ایزابل پرستش بعل و اشیره را ترویج می دادند . آنها تمام انبیاء خدا را کشته و در تمام کشورهای همسایه به دنبال ایلیا بودند تا او را نیز بکشند . آنها ۴۵۰ نبی برای بعل و ۴۰۰ نبی برای اشیره به کار گرفته بودند . بعل و اشیره اسامی بتهای مذکر و مؤنث خدای بلوری کنعانیان بودند . خدا ایلیا را فرستاد تا با اخاب و ایزابل مبارزه کند . اخاب باید ۸۵۰ نبی و همینطور تمام قوم اسرائیل را دعوت می کرد تا مقابل بعل و اشیره را از یکطرف و از طرف دیگر خدای زنده را ببینند . ایلیای نبی مردم را توبیخ کرد و گفت: " وقتی همه جمع شدند ، ایلیا خطاب به ایشان گفت: " تا کی می خواهید هم خدا را بپرستید و هم بتها را ؟ اگر خداوند خداست ، او را اطاعت نمایید و اگر بعل خداست ، او را پیروی کنید . " اما قوم هیچ جوابی ندادند . " (اول پادشاهان ۱۸ : ۲۱) . سپس انبیاء بعل را با ساختن مذبحی به چالش دعوت نمود . او از آنها خواست که گاوی را تکه تکه نموده و آن را بر هیزم بگذارند ولی آتش روشن نکنند . او نیز همین کار را خواهد کرد . سپس آنها از بتهای خود بخواهند که آتش را روشن کند . خدایی که با آتش پاسخ دهد خدا است . آنها موافقت کردند . تمام صبح انبیاء بعل اسم او را صدا می زدند اما پاسخی نبود . سپس تمام بعد از ظهر اطراف مذبح رقصیدند ، نام بعل را فریاد زدند و برای جلب توجه بعل خود را با شمشیر می زدند . تما م روز گذشت و پاسخی نبود هیچکس به آنها توجهی نکرد . انبیاء بعل شکست خوردند . سپس ایلیا تمام اسرائیل و انبیاء کاذب را دعوت کرد تا شاهد کار او باشند . او مذبح شکسته خداوند را تعمیر نمود و گرداگرد آن مذبح خندقی کند . سپس بر آن هیزم گذاشت گاوی را تکه تکه و آن را بر مذبح گذاشت و از مردم خواست انقدر آب بریزند تا خندق از آب لبریز شود . بعد از آن ایلیا دعا کرد و گفت: " ای خداوند ، خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب ، امروز آشکار کن که تو خدای اسرائیل هستی و من خدمتگزار تو می باشم . ثابت کن که همه این کارها را من به فرمان تو انجام داده ام . ای خداوند ، جواب بده . دعای مرا اجابت فرما تا این قوم بدانند که تو خدا هستی و ایشان را بسوی خود باز می گردانی . " (آیه ۳۶-۳۷) . بلافاصله خدا آتش فرستاد و قربانی او هیزم ، آب و حتی سنگهای مذبح و خاک اطراف آن آتش گرفت . وقتی مردم این را دیدند به روی در افتادند و اعتراف کردن که خدای کتاب مقدس ، خدا است . سپس مردم تمام ۸۵۰ نبی کاذب بعل و اشیره را کشتند . از طریق دعا ، مردم می آیند تا به وجود خدا پی ببرند . خدا اختراع انسان نیست . خدا اسطوره مذهبی نیست . خدای کتاب مقدس تنها خدای حقیقی است .

**سوم** . دعای مرد عادل قدرت دارد و مؤثر است .

بعد از این اتفاق ، ایلیا به اخاب گفت که باران خواهد گرفت . ایلیا به بالای کوهی رفت ، بر زمین زانو زد ، صورت خود را بین زانوئانش گذاشت و دعا کرد . هر بار خادمش را می فرستاد که آیا ابری می بیند . بعد از اینکه هفت بار دعا کرد ابر کوچکی ظاهر و تبدیل به طوفانی شد . آسمانی سیاه شد و طوفانی در گرفت ، باران شدیدی بر اسرائیل باریدن گرفت . در یعقوب ۵ : ۱۷-۱۸ در مورد این دعا می خوانیم: " الیاس انسانی بود همچون ما . با اینحال ، هنگامی که با تمام دل دعا کرد که باران نبارد ، برای مدت سه سال و نیم باران نبارید . و زمانی هم که دعا کرد تا باران بیاید ، بارش باران آغاز شد و زمین محصول آورد . " به همین صورت ، دعای مسیحی عادل هم قدرتمند و مؤثر خواهد بود .

**چهارم** . دعا می تواند به شما از نظر جسمی و روحی قوت ببخشد .

بعد از آن ، ایزابل نقشه قتل ایلیا را کشید . ایلیا ترسید و به بیابان فرار کرد . بعد از یکروز سفر زیر تابش خورشید سوزان زیر درختی نشسته و دعا کرد . او به خداوند گفت که دیگر بس است و او ترجیح می دهد بمیرد . او به خواب رفت و فرشته ای برایش غذا و آب آورد . ایلیا توسط خداوند قوت گرفت و نیرو یافت تا به مدت چهل شبانه روز سفر کند و به مقصد برسد .

## نکته ۳. دعاهای الیشع نبی

الیشع نبی به عنوان نبی اسرائیل جانشین ایلیا شد و بیش از ۲۸۰۰ سال قبل زندگی می کرد . در مورد الیشع در دوم پادشاهان فصلهای ۲ تا ۷ می خوانیم .

**اول** . دعا می تواند چشمان مردم را باز کند تا چشمانشان کار خدا ببیند . در همان زمان ، پادشاه ارام بر علیه اسرائیل جنگی را تدارک می دید . او ارتش اسرائیل را از محلی به محل دیگر تعقیب می کرد اما هرگز نمی توانست آنها را بگیرد چون الیشع نبی مشاور پادشاه اسرائیل بود . به پادشاه ارام گفته شد: " سرورم ، هچکدام از ما خائن نیستیم . این کار ، کار الیشع ، نبی اسرائیل است که حتی کلماتی را که در خوابگاه خود بر زبان می آوری به پادشاه اسرائیل اطلاع

می‌دهد. " (دوم پادشاهان ۶: ۱۲). پس پادشاه آرام خواست که الیشع را اسیر سازند. او ارتش را با ارابه و اسبها فرستاد تا شهری که الیشع در آن سکونت داشت محاصره کنند. خادم الیشع ارتش را دید و الیشع به او گفت: " نترس. قوای ما از قوای آنها بزرگتر است. " (آیه ۱۶). " آنگاه الیشع چنین دعا کرد: خداوند چشمان او را باز کن تا ببیند. خداوند چشمان خدمتکار الیشع را باز کرد و او دید که کوههای اطراف پر از اسبان و ارابه های آتشین است. " (آیه ۱۷). خدای کتاب مقدس می‌تواند از مسیحیان هم به همین صورت محافظت کند.

**دوم.** دعا می‌تواند چشمان جسمانی دشمنان را طوری نابینا کند که نتوانند به کارهای شریرانه خود ادامه دهند. پس الیشع اینطور دعا کرد: " تمنا اینکه این گروه را به کوری مبتلا بسازی پس ایشان را به موجب کلام الیشع به کوری مبتلا ساخت. " پس آنها سرگردان شده و نمی‌توانستند راهشان را پیدا کنند. الیشع آنها را به سامره و نزد پادشاه اسرائیل هدایت کرد. دوباره الیشع دعا کرد تا چشمان آنها باز شده و ببینند و خداوند چشمان ایشان را باز کرد و آنها فهمیدند که در دست پادشاه اسرائیل گرفتارند. الیشع به پادشاه اسرائیل اجازه نداد تا آنها را بکشد بلکه دستور داد تا قبل از رفتنشان به آنها آب و غذا بدهند. اسرائیلیها برای دشمنانشان ضیافت بزرگی برپا کردند و سپس آنها را آزاد نمود تا بروند. از آن زمان به بعد دیگر ارتش آرام به قلمرو اسرائیل حمله نکرد.

#### **نکته ۴. دعاهای اشعیاء نبی**

اشعیاء بیش از ۲۷۰۰ سال قبل زندگی می‌کرد. او نبی پادشاهی جنوبی یهودا و یکی از بزرگترین انبیایی بود که تا آن زمان می‌زیست. تمام نبوتهای او در مورد قومهای مختلف انجام شده‌اند. او در مورد آمدن مسیح نبوت کرد و ۷۰۰ سال بعد آن نبوتها انجام شد. اشعیاء خودش دعا می‌کرد و حقایقی را در مورد دعا تعلیم داد.

**اول.** گناه مانع دعا است. در اشعیاء ۱: ۱۳-۱۵ خدا به قوم اسرائیل می‌گوید: " دیگر این هدایای باطل را نیاورید. من از بخوری که می‌سوزانید نفرت دارم و از اجتماعات مذهبی و مراسمی که در اول هر ماه در روز سبت بجا می‌آورید بیزارم. نمی‌توانم این اجتماعات گناه آلود را تحمل کنم. از همه آنها متنفرم و تحمل دیدن هیچکدام را ندارم. هر گاه دستهایتان را بسوی آسمان دراز کنید، روی خود را از شما بر خواهم گردانید و چون دعای بسیار کنید، اجابت نخواهم نمود، زیرا دستهای شما بخون آلوده است. " و در اشعیاء ۲۹: ۱۳ خدا می‌گوید: " این قوم با زبان خود مرا می‌پرستند، ولی دلشان از من دور است. پرستش ایشان مراسمی است تو خالی و انسانی. " چرا خدا حتی به دعای قوم خودش گوش نمی‌دهد؟ چون در فصل ۱ آیات ۳-۴ او می‌گوید: " اما این قوم مرا نمیشناسند، قوم من فهم ندارند. وای بر امت خطاکار و قومیکه زیر بار گناه میباشند... و خداوند را ترک کرده‌اند. " در اشعیاء ۵۹: ۱-۲ او چیز مشابه دیگری می‌گوید: " ای مردم فکر نکنید که خداوند ضعیف شده و دیگر نمی‌تواند شما را نجات دهد. گوش او سنگین نیست، او دعاهای شما را می‌شنود. اما گناهان شما باعث شده او با شما قطع رابطه کند و دعاهای شما را جواب ندهد. " انجام هر نوع شرارت، مانعی برای دعا می‌باشد. خدا قدوس و عادل است و او مطمئناً از گوش کردن به دعای انسانهایی که در گناه هستند خودداری می‌کند. فساد روحانی و فساد اقتصادی مثالهایی از گناه هستند. فساد روحانی، نشناختن شخصی خدای کتاب مقدس است، پشت کردن به خدا و گوش نکردن به او در هنگامی که سخن می‌گوید. فساد اقتصادی انجام کارهای شریرانه‌ای است مانند دادن و گرفتن رشوه، نپرداختن مالیات، اخاذی و جاسوسی اقتصادی و مانند اینها.

**دوم.** دعای اعتراف، ارتباط با خدا را احیاء می‌کند. در اشعیاء ۶: ۱-۸ می‌خوانیم که: " در سالی که عزیزی پادشاه درگذشت، خداوند را دیدم که بر تختی بلند و با شکوه نشسته بود و خانه خدا از جلال او پر شده بود. اطراف تخت را فرشتگان احاطه کرده بودند. هر فرشته شش بال داشت که با دو بال صورت خود را می‌پوشاند، و با دو بال پاهای خود را، و با دو بال دیگر پرواز می‌کرد. آنها به نوبت سرود می‌خواندند و می‌گفتند: " مقدس، مقدس، مقدس است خداوند قادر متعال، تمام زمین از جلال او پر است. " صدای سرود آنها چنان با قدرت بود که پایه‌های خانه خدا را می‌لرزاند. سپس تمام خانه از دود پر شد. آنگاه گفتم: " وای بر من که هلاک شدم. زیرا من که مردی ناپاک لب هستم و در میان قومی ناپاک لب زندگی می‌کنم، خداوند، پادشاه قادر متعال را دیدم. " سپس یکی از فرشتگان به طرف قربانگاه پرواز کرد و با انبری که در دست داشت زغالی افروخته برداشت و آن را روی دهانم گذاشت و گفت: " حال دیگر گناهکار نیستی. این زغال افروخته لبهایت را لمس کرده و تمام گناهانت بخشیده شده است. " آنگاه شنیدم که خداوند می‌فرمود: " چه کسی را بفرستم تا پیغام ما را به این قوم برساند؟ "

برای شخص ناپاک یا یاعی در برابر خدا، افتادن به دست خدای قدوس چیز وحشتناکی است. اما چون اشعیاء در حضور خدا اعتراف کرد، گنااهش و نالایقی خود را پذیرفت خدا فرشته‌ای را فرستاد تا برای گناه اشعیاء کفاره کند. فقط بعد از اعتراف به گناه و کفاره گناه او بود که خدا می‌توانست از اشعیاء برای خدمت خود استفاده کند و از او استفاده کرد. خدا نمی‌تواند افراد ناپاک و یاعی را برای خدمت خود به کار گیرد و او چنین نخواهد کرد.

سوم. توبه دعا را به پیش می‌برد. در اشعیاء ۵۵: ۶-۷ می‌گوید که خداوند را مادامیکه یافت میشود، بطلبید و او را هنگامیکه نزدیک است، بخوانید. شریر راه خود را و گناهکار افکار خویش را ترک نماید و به سوی خداوند بازگشت کند و خدا بر او رحمت خواهد نمود، به سوی خداوند بازگردد که خدای ما او را خواهد آمرزید. بسیاری اوقات خدا شما را به توبه دعوت می‌کند. اگر

گوش کنید و از راههای بدتان بازگردید و نزد خدا کتاب مقدس دعا کنید او دعای شما را خواهد شنید . پس او را بطلبید و او را خواهید یافت . آیا این تجربه ای فوق العاده نخواهد بود ؟

### تکلیف برای هفته آینده

اول . اگر در کلیسای خود یا کشورتان رهبری روحانی هستید ، می خواهید برای قوم خود و رهبرانتان چه دعایی بکنید ؟

دوم . کتابهای دستور عمل ، " بروید و شاگردان بسازید" را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی

[www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید . این آدرس را به حروف تکرار میکنم . . . .

سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش کنید .